

کوبانی، اراده‌ای غریب در این جهان!؟

او از بازماندگان قتل عام در سیم است! 60 سال دستمال کوچک گرم‌خورده‌ای را در تمام شرایط همراه خود داشت. سرانجام در سن 71 سالگی در برابر دوربین سینما، گره آن دستمال کوچک گلدار را باز کرد، چند تار مو همه آن چیزی بود که به چشم میخورد: "مادرم گفت این تار موها را به عنوان شاهد مرگ ما، نزد خود نگه دار." و این آغاز فیلم مستند دردناکی است بنام دختران گمشده در سیم!

هفتاد و هفت سال بعد، داستان در سیم در شنگال تکرار شد، و همه این داستانها 1400 سال پیش، آن زمان که اعراب مسلمان، دختران کرد را در بازار مکه به حراج گذاشتند، شروع شد:

"هورمزگان رمان آتران گزان
زور کار ارب کردند خاپور
ژن و کینکان بدیل بشینا..."

"معابد تخریب، آتش ها خاموش
اعراب بسی ویرانی برجای نهادند
زنان و دختران را به اسیری بردند ... " (1)

فاجعه شنگال و کوبانی ادامه تراژدیهای به هم پیوسته تاریخ یک ملت است، در جای جای این سرزمین سرهای بریده زنان و مردان در دستان این و آن دیده شده‌اند. قبل از داعش سربازان ترک سرهای بریده زنان و مردان پیشمرگ را به نمایش گذاشتند و قبل از اعراب، شاهانی که این چنین اعمال خود را بازگو کرده‌اند:

"فرمورتیش را کت بسته پیش من آوردند. من بینی، گوش و زبان او را بریدم و چشمهایش را در آوردم. او را به زنجیر کشیده و در بارگاه نگاه داشتم تا همه جنگاوران او را به چشم خود ببینند. سپس دستور دادم که او را در اکباتان (همدان) بر سر نیزه کنند و تمام طرفدارانش را در قلعه اکباتان بر دار کنند". [داریوش کتیبه بیستون- کرمانشاه]

هردوت مورخ یونانی می نویسد :

"آنها بعد از کشتن "گوماتا" و برادرش، سر هر دو را از تن جدا کردند و از کاخ بیرون رفتند و با بلند کردن سر بریده آنها بر روی دست، از مردم خواستند تا با آنها همراه شوند. مردم به دنبال آنها در کوچه و گذرها هر کجا "مغی" دیدند، با خنجر به جانش افتادند، این کار تا بدانجا پیش رفت، اگر تاریکی شب فرا نمی رسید، مغها را نابود می کردند. سالگرد این مغ کشی در تقویم پارسها با خط قرمز مشخص شده است و آنها این روز را جشن می گیرند، که به روز مغ کشان مشهور است. در این روز هیچ مغی جرئت بیرون آمدن از خانه را ندارد".

آیا داریوش، شاه عباس صفوی، سلطان های عثمانی، خلفای بغداد، رضا شاه، آتاترک، محمد رضا شاه، صدام حسین، روح الله خمینی، که همه و همه خشونت ورزی نسبت به این مردم را به اوج رساندند، نتیجه‌ای مثبت از عمل و اندیشه خشونت ورزی خود گرفتند؟ آیا فرانسه و انگلستان که این سرزمین را به دلخواه خود تکه تکه پاره کردند، پاسخی برای سیاست و اعمال خود بعد از سپری شدن صد سال در این منطقه گرفتند؟ آنچه در کوبانی اتفاق می افتد، تکرار مکرر تاریخ و تکرار مکرر اعمال ما انسانهای این جهان است. سقوط کوبانی، بازتابی از اراده، اندیشه و عمل ما شهروندان این روستای جهانی است!

اینکه چرا خشونت ورزی نسبت به این مردم مرز نمی شناسد، چرا سرزمینشان تکه پاره شده است، چرا ثروت سرزمینشان به تاراج میرود، چرا این سرزمین در طول تاریخ محل تاخت و تاز این لشکر و آن سپاه بوده است، چرا این مردم و این سرزمین روی آرامش به خود نمی بیند؟ همه و همه سئوالاتی هستند بدون پاسخ!

امروز سئوالات بی پاسخ دیگری در گستره جهان مطرح است. بیست کشور که جنین تروریستهای خلافت اسلامی از شکم برخی از آنها در آمده است، به همراه پارلمان ترکیه در بوق و کرنا دمیدند، که چنین و چنان کنند و نخواهند گذاشت کوبانی سقوط کند و یک تراژدی انسانی بوقوع بپیوندد، لیک تراژدی انسانی در حال وقوع است.

آنچه این روزها در سوریه و عراق اتفاق می افتد، ادامه روندی است که سالهاست بخشی از افریقا و خاورمیانه را در خود فرو برده است. در چهل سال اخیر ما شاهد صلح و ثبات در این منطقه نبوده‌ایم، روند رویدادها تشدید خشونت و بی ثباتی هرچه بیشتر است. کشاندن کردستان به درون این بحران، سرآغاز بحران عمیق تری است، که ناگزیر ایران و ترکیه را هم در بر خواهد گرفت. جهان ما که خود را در جمع کشورهای سازمان ملل به نمایش می گذارد، توان صلح اندیشی و تامین صلح را از دست داده است.

کلوبهای نهران و آشکار که بر سرمایه و و اهرمهای کنترل این جهان، تسلط دارند، فرجی برای صلح و عدم بکارگیری خشونت، باقی نخواهند گذاشت، مگر اینکه باشندگان این کره خاکی نیروی اندیشه و عمل خود را در جهت

صلح و احقاق حقوق انسانها، بکار بگیرند. کوبانی آزمونی است جهانی. اگر این شهر سقوط کند، ما شاهد ادامه سقوط در گستره فراختری خواهیم بود، آرامشی که این روزها در برخی از کشورها دیده می شود، ناپایدار خواهد بود، مگر اینکه ارادهای جهانی با اراده مدافعان کوبانی گره بخورد.

یکی از دختران شهر کوبانی بنام "بهریوان" رو به مردم این جهان از طریق دوربین تلوزیون در 9 ژوئیه سال 2014 چنین گفت: "داعش می خواهد اراده کرد را در هم بشکند." شاید این هدف داعش و اردوغان ها باشد، اما آنانکه خاورمیانه و بخشی از آفریقا را در جنگی نافرجام فرو برده اند، شکستن اراده انسان امروز را هدف قرار داده اند. آن ارادهای که زمانی علیه جنگ ویتنام و جنگهای دیگر، شاهد تظاهر آن بودیم. آیا این اراده هنوز وجود دارد؟

ابراهیم فرشی
نهم اکتبر ۲۰۱۴

1- [نوشته‌ای بر روی پوست آهو که گفته میشود در موزه سلیمانیه نگهداری میشود]